

# فلسفه نماز



وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

سجاد سلیمانی

# فلسفه نماز

## سجاد سلیمانی

همچو نهر آب جاری پاک گرداند خطا \*\* گر بدانی "لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى"

در سحرگاهان ندای توبه را آغاز کن \*\* زیر لب نام خدا را با دلت دمساز کن

فهرست

۱\_ مفهوم شناسی نماز

أ. لغة و اصطلاح

۲\_ نماز در قرآن

أ. آیاتی قرآن که مربوط به نماز است

ب. آیاتی که به اوقات نماز اشاره دارند

ت. آیاتی که با ذکر دلیل، امر به برپاداشتن نماز می کنند

ج. آیاتی که به احکام نماز مسافر و نماز در هنگام جنگ اشاره می کنند

۳\_ نماز در روایات

أ. ارزش و اهمیت نماز در روایات

ب. احادیث ۱\_ ۲۰ از معصومین (ع)

#### ۴\_ فلسفه نماز

ا. در سیره امام خمینی

ب. در سیره مقام معظم رهبری (ح)

ت. در سیره شیخ زکراکی (ح)

ج. از دیدگاه شهید مطهری (ر)

#### ۵\_ داستان های دلسوزی و تقوی درباره نماز

دستان ۱\_ ۳۰

#### ۶\_ منابع

نماز آرام جان مومنین است \*\* کلید مشکلات این زمین است

---

### مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

خدایا بر محمد و آل محمد درود فرست و در عجله آنان (علیهم السلام) تعجیل فرما.

#### ● سپاس و قدردانی

از ابتدا نمی دانم از جناب احمد ماشی، سید احمد اهل الکسائی که تایید انجام این کار کردند با چه کلمه ای تشکر کنم.

همینطور آقا طاهر غورزو (مربی فرزندان شیخ زکراکی)

#### ● مقدمه

اگر نگاه کنید این روزها دیگران و به خصوص برخی از جوانان ما چگونه نماز می خوانند، شما را بسیار عصبانی می کند!

و چون بسیاری از آنها یا نمی دانند فلسفه نماز چیست و یا می دانند اما فراموش کرده اند .

پس با این کار کوتاه امیدوارم کسانی که فلسفه نماز را نمی دانند بدانند. و یاد کسانی باشد که می دانند ولی فراموش کرده اند، زیرا انسان نیازمند ذکر است که خداوند متعال فرموده است. (و بهره مؤمنان را یاد کن).  
امیدوارم به بسیاری از مردم، خودم، درباره فلسفه نماز، همانطور که در این کتاب کوچک من بحث خواهد شد، یادآوری کنم.  
و با این گفتار کوتاه پایان می دهم که امیدوارم انشاءالله از آن بهره مند شویم  
«نماز به ما داده شد که از نگرانی هایمان کاسته شود، نه برای اینکه نگرانمان کند».

## ● فصل اول (۱)

### (۱) مفهوم شناسی نماز

ا\_ تعریف در لغت : صلاة در لغت به معنای آتش افروختن ، دعا ، تبریک و تمجید است.  
و در اصطلاح ، عبادت مخصوص مسلمانان است که دارای اجزاء ، اعمال ، شرایط و احکام و فلسفه خاصی است .

کلید آسمانها در نماز است \*\* بدان معراج ما اندر نیاز است

## ● فصل دوم (۲)

### (۲) نماز در قرآن

بسم الله الرحمن الرحيم

نماز در تمام ادیان الهی به عنوان برترین آیین عبادی و رکن معنویت و ارتباط با خداوند مطرح بوده است. در قرآن مجید آیات زیادی درباره نماز بیان شده و هر کدام از آنها بیانگر اهمیت و ارزش خاص و جایگاه رفیع این عبادت مهم در پیشگاه خداوند است و آیات مربوط به نماز هر کدام تفسیر و پیام خاصی دارد. بعضی از آنها به اهمیت بعد معنوی و ملکوتی نماز پرداخته و برخی از آیات نماز را مایه آرامش دل ها دانسته و تعدادی، نماز را عامل بازدارنده از زشتی و پلیدی معرفی نموده و بخشی دیگر نیز به

بررسی نماز در ادیان گذشته و همراهی آن با عبادات دیگر از قبیل حج، جهاد، زکات و عدالت اجتماعی پرداخته است.

آیاتی که درباره نماز آمده است، بسیارند. در قرآن کریم، واژه صلاه، بیش از ۹۰ مرتبه به طور مستقیم، یا با مشتقاتش به کار رفته و چیزی حدود ۹۰۰ مرتبه، واژه‌ها و کلماتی که با اصل نماز مرتبط هستند، مانند واژه رکوع، سجده، ذکر، وضو، عبادت، مسجد و ...، به کار رفته است. بر این اساس می‌توان گفت که تقریباً یک ششم از آیات قرآن به نماز و موضوعات مربوط به آن پرداخته است که بر رکن بودن این عبادت بارزش، صحه می‌گذارد. و دقیقاً به همین علت است که احکام نماز و موضوعات مربوط به آن نیز به طور ویژه، در آیات قرآن مورد اشاره قرار گرفته است. موضوعاتی مانند وجوب نماز، اوقات خواندن نماز، آثار خواندن نماز، آداب اقامه آن، احکام نماز و نمازگزاران، نماز مسافر و ... که در ذیل به برخی از آنها خواهیم پرداخت.

## ۱\_ آیات قرآن که مربوط به نماز است

آیه ۱۰۳ سوره نساء

«فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ<sup>۱</sup> فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ<sup>۲</sup> إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْفُوتًا»؛ پس آن‌گاه که از نماز فراغت یافتید باز در همه احوال، ایستاده یا نشسته یا بر پهلو خفته (در هر حال که توانید) یاد خدا کنید، سپس که (از آسیب دشمن) ایمن شدید در این حال نماز (کامل) به جای آرید، که برای اهل ایمان، حُکمی معین و واجب و لازم است. آیهسور بقره «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاٰكِعِينَ»<sup>۱</sup>؛ و نماز به پا دارید و زکات بدهید و با خداپرستان حق را پرست کنید.

---

<sup>۱</sup> آیاتی هستند که درباره ی اوقات خواندن نماز و زمان وجوب آن راهنمایی می‌کنند. آیاتی مانند:

آیات ۷۸ و ۷۹ سوره اسرا

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ<sup>۱</sup> إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا\* وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا»؛ نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار (یعنی نماز ظهرین را از اول ظهر و نماز عشاءین را از بدو تاریکی شب به پا دار) و نماز صبح را نیز

---

به جای آن که آن نماز به حقیقت مشهود (نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز) است.\* و بعضی از شب را به خواندن قرآن (در نماز) بیدار و متعهد باش، که نماز شب خاص توسست، باشد که خدایت تو را به مقام محمود (شفاعت کبری) مبعوث گرداند.

تفسیر آیه: دلوک، یعنی زوال و دلوک شمس، هنگام اول ظهر و زوال آفتاب است غسق اللیل، یعنی هنگام پدید آمدن تاریکی شب که مطابق روایت به نیمه شب اطلاق می شود، بر این اساس، این آیه شریفه از اول ظهر تا نصفه شب را شامل می شود و نمازهای واجب این بازه زمانی شامل نماز ظهر، عصر، مغرب و عشاء است و با کلمه قرآن الفجر، که ناظر به نماز صبح است نمازهای واجب یومیه (نمازهای پنجگانه) کامل می شود. پس این آیه ناظر به مشخص کردن حدود اوقات شرعی نمازهای یومیه می باشد.

آیه ۱۱۴ سوره هود

«وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَيِ النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ ۚ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ۚ ذَٰلِكَ ذِكْرٌ لِلذَّكَّارِينَ»؛ و نماز را در دو طرف (اول و آخر) روز به پا دار و نیز در ساعات آغازین شب، که البته حسنات و نیکوکاریها، سیئات و بدکاریها را نابود می سازد، این (نماز یا این سخن که حسنات شما سیئات را محو می کند) یادآوری است برای اهل ذکر و پندی برای مردم آگاه است.

تفسیر آیه: دو طرف روز، به معنای صبح و عصر است و منظور از (زلفا من اللیل)، ساعاتی از شب است که نزدیکتر به روز باشد. یعنی خداوند می فرماید: نماز را در هنگام صبح و عصر و نیز در ساعاتی از شب که نزدیکتر به روز باشد، به پا دار و این ساعات مورد نظر، با نماز صبح و عصر (که هر یک در طرفی از ظهر قرار دارند) و نیز نماز مغرب که وقت اقامه ی آن، ساعات اولیه شب است، مطابقت دارد. در هر حال، منظور آیه، نمازهای واجب یومیه است، آنگاه می فرماید: همانا نیکوکاریها، سیئات و بدیها را حبط و زایل می کنند، به این معنی که نمازهای یومیه، حسناتی هستند که آثار گناهان و معاصی را از

بین می برند، و آنچه ذکر شد، یادآوری و تذکری است برای کسانی که دائماً به ذکر خداوند متعال مشغول هستند.

آیه ۱۳۰ سوره طه

«فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا وَمِنْ آنَاءِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافَ النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ»؛ پس تو بر آنچه (امت جاهل بر انکار و طعن تو) می‌گویند صبر و تحمل پیش گیر و خدای را پیش از طلوع خورشید و بعد از غروب آن و ساعاتی از شب تار و اطراف روز روشن ستایش و تسبیح گو، باشد که (به مقام رفیع شفاعت) خشنود شوی.

آیه ۳۹ و ۴۰ سوره قاف

«فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ \* وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَارَ السُّجُودِ»؛ پس تو (ای رسول) بر آنچه می‌گویند (و می‌کنند از آزار و تکذیب) صبر کن (تا ما آنها را کفر دهیم) و به حمد و ستایش خدایت تسبیح گو پیش از طلوع خورشید (به نماز صبح) و پیش از غروب آن (به نماز ظهر و عصر). \* و باز برخی از شب را (به نماز مغرب و عشاء) و هم در پی سجده‌ها به تسبیح خدا بپرداز.

و مراد از تسبیح قبل از طلوع آفتاب می‌تواند بر نماز صبح منطبق باشد و تسبیح قبل از غروب نیز، منطبق بر نماز عصر و یا نماز ظهر و عصر می‌باشد و ادامه ی آیه که در آن رسول الله را امر به تسبیح گویی در بخشی از شب می‌نماید، می‌تواند با نمازهای مغرب و عشاء منطبق باشد. و (ادبار سجود) یعنی پس از سجود و از آنجاییکه سجده، آخرین قسمت در هر رکعت از نماز است، احتمالاً منظور از آن، اقامه ی نافله ها و یا تعقیبات نمازهای یومیه و یا نماز وتر در نافله شب می‌باشد.

آیات ۴۸ و ۴۹ سوره طور

«وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ\* وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَارَ النُّجُومِ»؛ باری بر حکم خدا صبر کن که تو منظور نظر مایی. و چون برخیزی (به نماز یا هر کاری) به ستایش خدای خود تسبیح گوی.\* و از شبانگاه هم پاره‌ای به تسبیح خدا پرداز و هنگام فرو رفتن ستارگان هم (به نماز صبح) تسبیح خدا گوی.

آیه ۳ سوره بقره

«الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ»؛ آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پا دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند

آیه ۷۱ سوره توبه

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ<sup>۱</sup> أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ<sup>۲</sup> إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ»؛ و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است.

آیه ۹ و ۱۰ سوره مؤمنون

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ\* أُولَئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ»؛ و آنان که بر نماز هاشان (و همه اوقات و شرایط ظاهر و باطن نماز) محافظت دارند.\* چنین کسانی وارث (مقام عالی بهشت) اند.

تفسیر آیه: در این آیه آخرین ویژگی مؤمنان را که محافظت بر نماز هاست بیان کرده، می‌گوید: «و آنها بر نمازشان مواظبت می‌نمایند» (و الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ).



جالب این که: نخستین ویژگی مؤمنان را «خشوع در نماز» و آخرین صفت آنها را «محافظة بر نماز» شمرده است، از نماز شروع می‌شود و به نماز ختم می‌گردد چرا که نماز مهمترین رابطه خلق و خالق است که هر گاه با آدایش انجام گیرد زمینه مطمئنی برای همه خوبیها و نیکیها خواهد بود.

آیه ۱ و ۲ سوره مؤمنون

«قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ\*الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ»؛ همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند.\* آنان که در نماز خود خاضع و خاشعند.

تفسیر آیه: در آیه اول، مؤمنین را به رستگاری بشارت می‌دهد و سپس به بیان صفات آنها پرداخته و قبل از هر خصیصه‌ای، انگشت تأکید روی نماز گذاشته، می‌گوید: «آنها که در نمازشان خشوع دارند» (الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ).

اشاره به این که نماز مؤمنین، صرفاً الفاظ و حرکاتی بی‌روح و فاقد معنی و از سر عادت نیست، بلکه به هنگام نماز آن چنان حالت توجه به پروردگار و حضور قلب در آنها پیدا می‌شود که از هرچه غیر اوست، جدا می‌گردند و به او می‌پیوندند.

در روایتی می‌خوانیم که پیامبر صلوات الله مردی را دید که در حال نماز با ریش خود بازی می‌کند، فرمود: «اگر او در قلبش خشوع بود اعضای بدنش نیز خاشع می‌شد». اشاره به این که خشوع یک حالت درونی است که در برون اثر می‌گذارد.

آیات ۲۲ تا ۲۸ سوره معارج

«إِلَّا الْمُصَلِّينَ ﴿۲۲﴾ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ﴿۲۳﴾ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ ﴿۲۴﴾ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ ﴿۲۵﴾ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ ﴿۲۶﴾ وَالَّذِينَ هُمْ مِنْ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ ﴿۲۷﴾ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَأْمُونٍ ﴿۲۸﴾»؛ مگر نماز گزاران حقیقی. (۲۲) آنان که دایم در نماز (و طاعت الهی) عمر گذرانند.

(۲۳) و آنان که در مال و دایی خود حَقّی معین و معلوم گردانند. (۲۴) تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند. (۲۵) و آنان که روز قیامت و جزا را تصدیق کنند. (۲۶) و آنان که از قهر و عذاب خدای خویش سخت ترسانند. (۲۷) که از عذاب خدا هیچ کس ایمن نتواند بود. (۲۸)

## ت\_ آیاتی که با ذکر دلیل، امر به برپا داشتن نماز می کنند

1. آیه ۴۵ سوره عنکبوت: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ۗ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ»؛ (ای رسول ما) آنچه را که از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی شد (بر خلق) تلاوت کن و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) به جای آر، که همانا نماز است که (اهل نماز را) از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر (و برتر از حدّ اندیشه خلق) است، و خدا به هر چه (برای) خشنودی او و به یاد او) کنید آگاه است.
2. آیه ۱۴ سوره طه: «إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) بپرست و نماز را مخصوصا برای یاد من به پادار.
3. آیه ۹ سوره جمعه: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ۚ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه (شما را) برای نماز روز جمعه بخوانند فی الحال به ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت را رها کنید که این، اگر بدانید برای شما بهتر خواهد بود.

تفسیر بخشی از آیه: منظور از «ذکر الله» در درجه اول «نماز» است، ولی می‌دانیم خطبه‌های نماز جمعه هم که آمیخته با ذکر خداست، در حقیقت بخشی از فریضه ی عبادی نماز جمعه است، بنابراین باید برای شرکت در آن نیز تسریع کرد.

4. آیه ۷۷ سوره حج: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ ﴿٧٧﴾»؛ ای اهل ایمان، در برابر خدا رکوع و سجود آرید و (با توجه و بی‌ریا و خالص) پروردگار خود را پرستید و کار نیکو کنید، باشد که رستگار شوید.
5. آیه ۹۸ سوره حجر: «فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ»؛ پس به ذکر اوصاف کمال پروردگارت تسبیح گو و از نمازگزاران باش (تا به یاد خدا شاد خاطر شوی).

---

6. آیه ۴۳ سوره بقره: «وَأَقِمْوَا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَبُوا مَعَ الرَّاكِبِينَ»؛ و نماز به پا دارید و زکات بدهید و با خدا پرستان حق را پرستش کنید. (ستاد اقامت نماز)

نماز درخم آن ابروان محرابی \*\*\* کسی کند که به خون جگر طهارت کرد

---

## فصل سوم (۳)

### ● نماز در روایات

(پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: امت من چهار گروه هستند:

- ۱\_ گروهی نماز می خوانند، ولی در نمازشان سهل انگارند «ویل» برای آنهاست، و «ویل» نام یکی از طبقات زیرین جهنم است، خداوند فرمود: (فويل للمصلين الذين هم عن صلاتهم ساهون) ماعون ۴ و ۵\*\* پس «ویل» برای نمازگزاران است، آنهایی که در نمازشان سهل انگارند.

---

۲\_ گروهی گاهی نماز می خوانند و گاهی نمی خوانند، پس «غی» مال آنهاست، و «غی» نام یکی از طبقات پایین جهنم است. خداوند متعال فرمود: (فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة و اتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا) سپس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند که نماز را ضایع کرده و از شهوات پیروی کردند، و اینها به زودی در «غی» افکنده خواهند شد.

۳\_ گروهی هیچ وقت نماز نمی خوانند، «سقر» برای آنهاست، «سقر» هم نام یکی از طبقات زیرین جهنم است که خداوند متعال فرمود: (ما سلکم فی سقر قالوا لم نک من المصلین) مدثر. ۴۲. (اهل بهشت از اهل جهنم سؤال می کنند) چه چیزی شما را به «سقر» کشاند؟ در جواب می گویند: ما از نمازگزاران نبودیم.

۴\_ گروهی همیشه نماز می خوانند، و در نمازشان خشوع دارند. خداوند متعال فرمود: (قد افلح المؤمنون الذین هم فی صلاتهم خاشعون) مؤمنون. ۱ و ۲. مؤمنان رستگار شدند، آنهایی که در نمازشان با خشوع هستند.

## 1\_ حدیث اول: اهمیت نماز

قال رسول الله صلى الله عليه و آله:

اول ما افترض الله على امتي الصلوات الخمس، و اول ما يرفع من اعمالهم الصلوات الخمس، و اول ما يسألون عنه الصلوات الخمس. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: (نخستین چیزی که خداوند بر

---

امت من واجب کرد نمازهای پنجگانه است، و نخستین عملی که از آنان بالا برده می شود، و از آنان سؤال می شود همان نماز است) کنز العمال، ج ۷، ح ۱۸۸۵۹

## 2\_ حدیث دوم: نماز و پایه های دین

عن ابی جعفر علیه السلام قال: (بنی الاسلام علی خمسة اشياء: الصلاة، و الزکوة و الحج و الصوم و الولاية) امام باقر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج چیز بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت اهل بیت علیهم السلام) بحار، ج ۸۲، ص ۲۳۴.

## 3\_ حدیث سوم: مثل نماز

عن ابی جعفر علیه السلام قال: (الصلاة عمود الدين، مثلها كمثل عمود الفسطاط اذا ثبت العمود ثبتت الاوتاد الاطناب، و اذا مال العمود و انکسر لم یثبت وتد و لا طناب) امام باقر علیه السلام فرمود: نماز ستون دین است، مثل آن همانند ستون خیمه است که وقتی استوار باشد میخها و طنابها پا برجاست، و هرگاه ستون آن کج و شکسته شود هیچکدام از آنها استوار نمی مانند) بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۸

## 4\_ حدیث چهارم: نماز موجب رستگاری

---

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: (خمس صلوات من حافظ عليهن كانت له نورا و برهانا و نجاه يوم القيامة) رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: کسی که بر نمازهای پنجگانه محافظت و مراقبت نماید این نمازها برای او در قیامت، نور و وسیله نجات او خواهد بود) کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۸۶۲

## 5\_ حدیث پنجم: نماز و نورانیت قلب

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: (صلاة الرجل نور في قلبه فمن شاء منكم فلينور قلبه) رسول اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: نماز هر کس، نوری در دل اوست، پس هر کس خواست، قلبش را نورانی کند) کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۹۷۳

## 6\_ حدیث ششم: نماز ملاک قبولی اعمال

قال الصادق عليه السلام: (اول ما يحاسب به العبد الصلاة، فان قبلت قبل سائر عمله، و اذا ردت رد عليه سائر عمله) امام صادق علیه السلام فرمود: نخستین چیزی که از بنده حسابرسی می شود نماز است، پس اگر نماز پذیرفته شد اعمال دیگرش نیز پذیرفته می شود، چنانچه نمازش رد شود بقیه اعمال او هم قبول نخواهد شد) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۲

## 7\_ حدیث هفتم: نماز و روش انبیاء

---

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: (الصلاة من شرايع الدين، و فيها مرضاة الرب عز و جل، فهي منهاج الانبياء) پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: نماز از آداب (اولیه) دین است، و آن مایه خشنودی خدا، و راه و روش پیامبران الهی است ( بحار، ج ۸۲، ۲۳۱

## 8\_ حدیث هشتم : نماز پرچم اسلام

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: (علم الاسلام الصلاة، فمن فرغ لها قلبه و حافظ عليها بحدّها و وقتها و سننها فهو مؤمن ) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نماز، پرچم اسلام است، مؤمن واقعی، کسی است که دل به آن دهد و مراقب حدود و آداب و وقت آن باشد( كنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۸۷۰

## 9\_ حدیث نهم : نماز و کارائی آن

قال الصادق عليه السلام:(ان ملك الموت يدفع الشيطان عن المحافظ على الصلاة و يلقنه شهادة ان لا اله الا الله، و ان محمدا رسول الله في تلك الحالة العظيمة) امام صادق علیه السلام فرمود: فرشته مرگ، شیطان را از کسی که مراقب نماز است دور می کند، و شهادت بر وحدانیت خدا، و رسالت پیامبر را در هنگام هولناک مرگ به او تلقین می کند( وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۹

## 10\_ حدیث دهم : نماز و فرزندان

---

قال الباقر عليه السلام: (انا نأمر صبياننا بالصلاة اذا كانوا بنى خمس سنين، فمروا صبيانكم بالصلاة اذا كانوا بنى سبع سنين) امام باقر عليه السلام فرمود: هنگامی که فرزندان ما پنج ساله شدند دستور می دهیم نماز بخوانند، پس شما هم وقتی فرزندانتان به هفت سالگی رسیدند آنها را به نماز دستور دهید) وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۱۲

## 11\_ حدیث یازدهم

قال الصادق عليه السلام: (صلاة فريضة خير من عشرين حجة و حجة خير من بيت مملو ذهباً يتصدق منه حتي يفني او حتي لا يبقي منه شيء) امام صادق عليه السلام فرمود: یک نماز واجب از بیست حج بهتر است، و یک حج از صدقه دادن خانه ای پر از طلا بهتر است، آنگونه که آن را صدقه دهند تا آنکه چیزی در آن نماند) بحار، ج ۸۲، ۲۲۷

## 12\_ حدیث دوازدهم (۱۲)

قال امير المؤمنين عليه السلام: (اوصيكم بالصلاة و حفظها، فانها خير العمل و هي عمود دينكم) امير المؤمنين عليه السلام فرمود: شما را به نماز و مراقبت از آن سفارش می کنم چونکه نماز برترین عمل و ستون دین شماست) بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۹

## حدیث سیزدهم (۱۳) اهمیت نماز



---

قال النبي صلى الله عليه و آله: (ما من صلاة يحضر وقتها الا نادى ملك بين يدي الناس (ايها الناس) قوموا الي نيرانكم التي اوقدتموها علي ظهوركم فاطفئوها بصلاتكم) پیامبر اکرم صلى الله عليه و آله فرمود: هیچ گاه وقت نماز نمی رسد مگر اینکه فرشته ای در میان مردم ندا می دهد که: ای مردم بپاخیزید و با نماز خود آتشی را که برافروخته اید خاموش کنید) بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۹

### حدیث چهاردهم (۱۴) برکات نماز

قال على عليه السلام: (ان الانسان اذا كان في الصلاة فان جسده و ثيابه و كل شىء حوله يسبح) على بن ابيطالب عليه السلام فرمود: هنگامی که انسان مشغول نماز است بدن و لباس و هر چه پیرامون اوست خدا را تسبیح می گویند (بحار، ج ۸۲، ص ۲۱۳)

### حدیث پانزدهم (۱۵) جایگاه نماز

قال رسول الله صلى الله عليه و آله: (موضع الصلاة من الدين كموضع الرأس من الجسد) رسول گرامی صلى الله عليه و آله فرمود: جایگاه نماز در دین همانند سر است نسبت به بدن (کنز العمال، ج ۷، حدیث ۱۸۹۷۲) (ستاد اقامت نماز شهرکرد)

به خدا خبر ندارم چو نماز می گزارم \*\* که تمام شد رکوعی که امام شد فلانی

### ● فصل چهارم (۴)

## فلسفه نماز

نماز مست شریعت روا نمی‌دارد\*\* نماز من که پذیرد که روز و شب مستم

گرچه نماز چیزی نیست که فلسفه اش بر کسی مخفی باشد، ولی دقت در متون آیات و روایات اسلامی ما را به نکات بیشتری در این زمینه رهنمون می‌گردد:

- ۱ - نماز ذکرالله اکبر است ۲ - نماز پاک کننده گناهان ۳ - نماز سدی در برابر گناهان ۴ - نماز غفلت را از بین می‌برد ۵ - نماز کبر را از بین می‌برد ۶ - نماز پرورش دهنده فضائل اخلاقی ۷ - نماز با ارزش کننده اعمال انسان ۸ - نماز دعوت کننده به پاکسازی ۹ - نماز کامل عامل مؤثر برای ترک بسیاری از گناهان ۱۰ - نماز تقویت کننده روح انضباط ۱۱ - برطرف شدن گرفتاری و ناراحتی ۱۲ - ورود به بهشت ودوری از سقر ۱۳ - خوشنودی خداوند ۱۴ - استجابات و بالا رفتن اعمال ۱۵ - دوری شیطان و تلقین شهادتین ۱۶ - ارتباط به معصومین و صاحب آلزمان (عج)

## أ فلسفه نماز در سیره امام خمینی

۱. نماز و توحید

امام خمینی(ره) نماز را مظهر کامل توحید می‌دانست. به باور ایشان:

قیام نشانه توحید افعالی است،

رکوع بیانگر توحید صفاتی است،

و سجود اوج توحید ذاتی است.

۲. نماز؛ معراج مؤمن

امام، نماز را «معراج مؤمن» معرفی می‌کرد. حقیقت نماز رسیدن به مقام قرب الهی است؛ و این جز با حضور قلب، خضوع و معرفت حاصل نمی‌شود.

---

۳. سفر روحانی و اسرار نماز  
از دیدگاه ایشان، نماز تنها حرکات ظاهری نیست بلکه سفری عرفانی و باطنی است که سالک را از  
کثرت به وحدت می‌رساند.

۴. نماز؛ داروی گناهان  
امام خمینی نماز را داروی همه بیماری‌های روحی و اخلاقی می‌دانست و تأکید می‌کرد که ترک نماز،  
انسان را از سعادت ابدی محروم می‌سازد.

۵. نماز؛ برترین عبادت  
به باور ایشان، نماز جامع‌ترین و برترین عبادت است و کلید رحمت و رضوان الهی به شمار می‌رود.

۶. ظاهر و باطن نماز  
نماز دارای ظاهر (احکام و اعمال شرعی) و باطن (خشوع، ذکر قلبی و قرب معنوی) است. امام خمینی  
بر اهمیت هر دو بُعد تأکید داشت و نماز حقیقی را پیوند این دو می‌دانست.

منبع: آثار و بیانات امام خمینی درباره اسرار و فلسفه نماز (کتاب «سر الصلاة»، «آداب الصلاة» و  
وصایا).

## فلسفه نماز در سیره مقام معظم رهبری

مقام معظم رهبری همواره بر اهمیت نماز تأکید می‌کنند و بخصوص قشر جوان را بر انجام این فریضه‌ی  
الهی توصیه می‌نمایند.

ایشان با بیان اینکه نماز نشانه حکومت الهی است، می‌گویند: «اقامه نماز در کشوری که پرچم اسلام را  
برافراشته و به حاکمیت اسلام مفتخر است، یکی از واجبات فرایض می‌باشد، زیرا همه هدف‌های یک  
جامعه نیکبخت در صورتی تأمین خواهد شد که تربیت فردی و تهذیب اخلاقی در آحاد مردم و به ویژه در  
کارگزاران امور کشور تأمین شود.» ایشان اهمیت اقامه نماز در سطح جمعی و همگانی آن را در واقع  
بدان جهت می‌دانند که فریضه نماز می‌تواند با نقش عظیم خود در تهذیب اخلاقی و تعالی روحی و معنوی  
افراد جامعه بخصوص کارگزاران مملکتی پایه استواری برای پیشبرد اهداف والای نظام الهی به شمار  
آید.» مقام معظم رهبری درباره اینکه نماز رابط بین انسان و پروردگار است اینگونه بیان کرده‌اند: «باید

گفت که نماز معبر اصلی برای سلوک انسان در راهی است که ادیان الهی در برابر آدمی نهاده اند تا بتوانند از آن به هدف غایت اصلی حیات یعنی رستگاری و خوشبختی دنیا و آخرت دست یابند؛ نماز اولین قدم سلوک الهی الله است، ولی ظرفیت این عامل الهی به اندازه‌ای است که در اوج کمال بشری نیز می‌تواند بال پرواز انسان به عرش شود.»

نماز واقعی و درست از نظر آیت الله خامنه‌ای نمازی است که از ذکر و یاد خدا سرشار باشد، نمازی که در آن آدمی با خدای خود سخن می‌گوید و به او دل می‌سپارد، نمازی که والاتری معارف اسلام را پیوسته به انسان می‌آموزد، چنین نمازی انسان را از پوچی و بی‌هدفی و ضعف می‌رهاند و افق زندگی را در چشمش روشن می‌سازد و به او همت و اراده و هدف می‌بخشد و دل او را از میل به کجروی و گناه پستی نجات می‌دهد. نماز بی ذکر حضور کالبدی بی روح است که اگر چه نام نماز بر آن مجاز نیست لیکن اثر و خاصیت نماز نیز از آن مترقب نیست. روح نماز چیزی جز تضرع و خشوع نیست و این بزرگترین درس انسان سازی است چرا که کبر و خود بزرگ بینی را که بزرگترین و مهلکترین آفات بشری اند از انسان دور می‌نمایند و آرامش را نثار وجود انسان کرده و دل‌ها را افتادگی و فروتنی می‌بخشد.

### فلسفه نماز در سیره شیخ زکزاکی (ح)

نغمه الله اکبر چون شنیدی زود باش \*\* سوی دریای محبت پاک همچون رود باش

معروفترین چیزی در زندگی طلبه های امام خمینی (ق) نماز است . امام علی (ع) فرمودند : دنیا برای اولیاء خدا محل تجارت است

شیخ مولانا زکزاکی (ح) همین صفت از صفت های طلبه های امام داره . شیخ فرمود: (اگر کسی از من بپرسد که چه چیزی مرا در زندگی شادتر می کند، نماز را پاسخ می دهم). شیخ فرمود: (اگر آن ظالم ها بدانند که نماز چقدر ما را شادتر می کند، بهترین بدرفتاری که با ما می کنند این است که ما را از نماز باز دارند)

هنگام انجام تفسیر قرآن به آیه می رسد ( إن الصلاة تنهى عن الفحشاء و المنکر ) همچنین فرمود: اگر می خواهی بدانی که خداوند نماز تو را می پذیرد یا نه ؟ بعد نگاه کن و از خودت بپرس آیا هنوز مرتکب فحشه و منکر هستی؟ اگر بله، به این معنی است که خداوند نماز شما را نمی پذیرد یا شما نماز را آن طور که هست انجام نمی دهید. زیرا خداوند نمی فرماید که نماز مانع از فحشه و منکر می شود و شما آن را در حالی انجام می دهید که ادعا می کنید دارید نماز می کنید.

گر بخواهی یاد تو باشد خداوند و دود \*\* یاد کن خدا را در رکوع و در سجود

همانطور که از جناب طاهر شنیدم یکی از نزدیکترین شاگردان مولانا شیخ زکری (رضوان الله تعالی علیه) و استاد فرزندان شیخ زکراکی که شهید شدند. این اتفاق افتاد وقتی شیخ زکراکی در حسینیه خود برای شیعیان نیجریه تفسیر قرآن می کند، به قول الله می رسد. ( إن الصلاة کانت علی المؤمنین کتابا موقوتا ) و فعلا در آن زمان نماز فرا رسید. شیخ فعلا در آن زمان تفسیر را متوقف کرد و گفت: برویم نماز بخوانیم. همچنین هنگامی که مردم از داخل و خارج از کشور برای زیارت او می آیند، هنگامی که وقت نماز فرا می رسد، هر کاری را که انجام می دهد متوقف می کند و آنها را به نماز می برد. حتی اهل سنت که او را ملاقات می کردند، چنین می گویند. همچنین زمانی اتفاق افتاد که بچه ها در سمینار I.V.C دور او جمع شدند و او از داستان پسری در ایران گفت تا آنها را به آنچه که مربوط به نماز است تشویق کند. ایشان در این باره گفت: در ایران این اتفاق افتاده است که پسر جوانی که با مادر بزرگش زندگی می کرد، هر لحظه از مادر بزرگش یا وقتی اتفاقی می افتاد، یا صاحب زمان می شنید. صاحب الزمان کیست؟ پسر پرسید: ایشان امام و یاور ماست، او کمک می کند و اگر او را آلوت صدا کنی به تو کمک می کند. یک روز پسر به سفر رفته است. و همچنین در آن سفر عالمی است که می دانست آیا عالم دیگری در ماشین هست که نزدیک او بنشیند و درباره دین بحث کند و سفر خوبی داشته باشد. وقتی هیچ عالمی را نمی بیند نزدیک پسر می نشیند و مانند پسری که همه چیز را نمی داند به او نگاه می کند، زیرا قصدش این است که نزدیک یک عالم بنشیند و در مورد مسائل دینی بحث کند. در سفر پسر شروع به نگاه کردن به ساعت کرد و به راننده گفت که در حال حاضر وقت نماز است. راننده بدش نمیاد پسر بارها و بارها به راننده می گوید اما باز هم مشکلی ندارد. اگر ماشین را متوقف نکنی من همین الان از پنجره بیرون می پریم! و سپس راننده ماشین را متوقف کرد. با علم به این که اگر پسر از پنجره بیرون بیاید روبرو شود و عواقب آن را دریافت کند. عالم به راننده می گوید که بایستد زیرا وقت نماز است و پسر نیز مشتاق نماز است. ماشین را پارک کردند و عالم آنها را به نماز می برد. بعد از بازگشت به داخل ماشین، عالم از پسر در مورد داستانش پرسید و پسر به دانشور چنین گفت: او داستان را به شرح زیر بیان کرد: این اتفاق چند سال پیش افتاده است من با مادر بزرگم زندگی می کنم و هر لحظه یا اتفاقی از او می شنیدم یا صاحب زمان. صاحب الزمان کیست؟ من از او می پرسیدم. او امام و یاور ماست، او کمک می کند و اگر او را آلوت صدا کنید به

---

شما کمک می کند. مادر بزرگ جواب داد. روز از نو وقتی در سفر بودم بنزین ماشین ما تمام شد و هیچ پمپ بنزین در اطراف نیست ما نمی دانیم چه کنیم و ما آنجا بودیم که مردی را دیدم که از بوته های نزدیک بیرون می آمد. ، مرد شبیه کسانی نیست که رنج می کشند یا راه طولانی را طی می کنند. با راننده بگوئید که ماشین شما آماده است اکنون باک آن پر از بنزین است. تو کی هستی پسری که داستان را تعریف می کند، پرسید. من صاحب الزمان هستم مرد پاسخ داد. به راننده گفتم که ماشین ما آماده است باک ما پر از بنزین است. من اصلاً این شوخی و رفتار کودکانه را نمی خواهم، ما اینجا ایستاده بودیم و شما به ما می گوئید که فلانی ماشین ما را از بنزین پر کرده است! گفت راننده. این صاحب زمان است که این کار را می کند، همه آنها به اطراف نگاه می کنند، اما صاحب زمان قبلاً رفته است. وقتی راننده باک را چک می کند، واقعاً می بیند که ماشین پر از بنزین است. در آن زمان صاحب الزمان پس از پرکردن خودروی ما از بنزین به من گفت که به او یک چیز را قول بدهم و آن این است که فعلاً در زمان خود نماز را در سر وقت انجام دهم که من انجام می دهم. چون در آن زمان هر وقت وقت نماز فرا می رسید، آن را به موقع انجام می دادم تا به عهدهی که به صاحب زمان می کنم عمل کنم». خداوند متعال ما را در زمره سربازان صاحب الزمان قرار دهد که آنها را با نماز می شناسند. اللهم صلی الله علیه و آله و سلم

از خدا خواهید توفیق عمل بر طاعتش \*\* بر نماز اول وقت و کتاب حکمتش

### فلسفه نماز از دیدگاه شهید مطهری

از مهم ترین عباداتی که تمام پیروان ادیان توحیدی به آن مکلف شده اند نماز است. نماز تا آنجا اهمیت دارد که در هیچ دین الهی از آن غفلت نشده است و اگر گوهر اصلی ادیان را عبادت بدانیم (ما خلقت الانس و الجن الا ليعبدون) نماز بارزترین مصداق این عبارت است. اهمیت این نوع عبادت تا حدی است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: الصلوه عمود الدین، نماز پایه اساسی خیمه دین است. در روایات وارده از بقیه معصومین نیز احادیثی با این مضمون یافت می شود. علی علیه السلام در آخرین وصیتی که

برای فرزندان و شیعیان و بقیه مسلمانان نوشته در باب اهمیت نماز می‌فرمایند: «اللّٰه الله فی الصلوه فانها عمود دینکم؛ خدا را خدا را درباره نماز، که نماز ستون دین شماست.»

نهج البلاغه، نامه 47، ترجمه استاد دکتر شهیدی، ص 321

در اهمیت نماز همین بس که در روز قیامت شرط قبولی بقیه اعمال دینی نماز است که پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «ان قبلت قبل ما سوی ها و ان ردت رد ما سواها؛ یعنی شرط قبولی و پذیرش سایر اعمال انسان قبولی نماز است به این معنا که اگر انسان کارهای خیری انجام بدهد ولی نماز نخواند و یا نماز را سبک بشمارد، سایر کارهای خیر او هم رد می‌شود.» گفتارهای معنوی، ص 56

در حدیث دیگر آمده است که «الصلوه قربان کل تقی» نهج البلاغه، حکمت 131، ص 1152

نماز مایه تقرب هر انسان پرهیزکار است. نماز ارتباط میان عبد و معبود است نماز موجب تقرب به خداست و هیچ چیز دیگر جای نماز را نمی‌تواند بگیرد و بدیل آن شود.

وقتی «الله اکبر» نماز گفته می‌شود اگر با تامل و از صمیم قلب چنین ذکر گفته شود به آدمی یک آزادی معنوی می‌بخشد که دیگر برده و بنده هیچ کسی نخواهد بود و حکومتی جز حکومت الله را نخواهد پذیرفت چه لازمه بندگی خدا آزادی از غیر خداست:

نشوی بنده تا نگریدی حر      نتوان کرد ظرف پر را پر

«اذکار دیگر نماز هر کدام رمزی دارد، شخصی از علی علیه السلام پرسید چرا ما دوبار سجده می‌کنیم؟ امیرالمومنین این آیه را خواند: منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تاره اخری (طه، 55) اول که سر بر سجده می‌گذاری و بر می‌داری یعنی همه ما از خاک آفریده شده‌ایم دو مرتبه سرت را به خاک بگذار یادت بیاید که می‌میری و به خاک باز می‌گرددی و سایر اذکار و اعمال دینی نیز رمزی دارند.» گفتارهای معنوی، ص 97 و 98

---

البته این اعمال از آن جهت که شرعی هستند و دستور خداوند است بر ما آدمیان واجب شده است چه فلسفه واقعی و اصلی آن‌ها را بدانیم و یا ندانیم بهر حال ما مکلف به انجام این اعمال هستیم و جستجوی فلسفه اعمال دینی هم حرام نیست منتها باید از برخورد انحصاری و جزم گرایی دوری جست و هیچوقت ادعا نکرد که تنها فلسفه فلان این است که به دست آمده بلکه باید احتمالات دیگر را نیز جایز شمرد، چه فلسفه اصلی اعمال دینی را خداوند می‌داند و بس.

شهید مطهری نظریه «اجتماع جوانب فردی و جمعی» اعمال دینی را ارائه می‌کند و با این ترتیب از یک سو جلوی افراط و تفریط را می‌گیرند و از سویی محتوای اصلی و ایمانی اعمال دینی را حفظ می‌کنند. در این رابطه ضمن تاکید بر جنبه عبادی اعمال از ربط دادن آنها به امور دیگران زندگی نیز غافل نیستند و مقدسین از اعمال دین تنها جنبه عبادی را مدنظر نداشته بلکه باید به نسبت آن‌ها با امور دیگر نیز توجه کافی داشت. «مثلاً نماز جنبه اخروی خالصش این است که انسان به یاد خدا باشد، خوف خدا را داشته باشد. برای حضور قلب و توجه به خدا که این همه آداب از قبیل وضو گرفتن، شستشو کردن و... ضرورتی ندارد. شستشو برای نزد خدا رفتن چه تاثیری دارد؟ از نظر خدا هیچ تاثیری ندارد اما از سوی دیگر بر مومنین نظافت را تکلیف می‌کند.» گفتارهای معنوی، ص 88

در محل غصبی نماز نخواندن هم تاثیری در حضور در پیشگاه حق ندارد اما خداوند می‌خواهد به مومنین رعایت حقوق دیگران را تعلیم دهد یعنی می‌خواهد بگوید که از نظر اسلام پرستشی که در آن حقوق دیگران رعایت نمی‌شود مورد پذیرش نیست و یا مثلاً رو به قبله ایستادن رابطه عبادت با مساله اجتماعی وحدت را در اذهان تداعی می‌کند و الا خدا که جایگاه خاصی ندارد «فاینما تولو فثم وجه الله» (بقره، 115) به هر سو رو کنید خدا همان جاست. (آوای مطهر)

## فصل پنجم (۵)

داستان واقعی درباره فلسفه نماز



---

در کتاب خودش، (دادش جون ص ۳۴) آیت الله حق شناسی تهرانی می فرماید:  
"صورت را به خاک بگذار، اینطرف صورت، آنطرف صورت. شبها بلند شو،  
دادش جون! اولاً سرت را روی فرش بگذار. پروردگار این حالت را دوست دارد.

دلا بسوز که سوز تو کارها بکند \*\* نیاز نیم شبی دفع صد بلا بکند

پدر همان کتاب ص ۳۹ می فرماید: "سفر به سوی خدا ممکن نیست، مگر اینکه  
سحرها بلند شوی، دادش جون! باید سحرها برای نماز شب بیدار شوی ولو اینکه  
مختصر بخوانید"

یک شب به طاعت تو نیاورده ام به صبح \*\* بیهوده رفت روز و شب و سال و ماه  
من

امیدوارم انشاالله این داستانها به دل ما بماند

دستان اول (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ

---

شیخ بهائی می گوید : از مردی مورد اطمینان شنیدم ، گنهکاری از دنیا رفت ؛ همسرش برای انجام مراسم تغسیل و تکفین و تدفین از مردم درخواست کمک کرد ، ولی شدت نفرت مردم نسبت به آن گنهکار به اندازه ای بود که کسی برای انجام مراسم حاضر نشد ، به ناچار کسی را اجیر کرد که جنازه را به مصلاهی شهر ببرد ، شاید اهل ایمان به انجام مراسم اقدام کنند ، ولی يك نفر برای حضور در مراسم حاضر نشد !

پس جنازه را به وسیله اجیر به صحرا برد تا آن را بی غسل و کفن و نماز دفن کند . نزدیک آن صحرا کوهی بود که در آن کوه زاهدی می زیست که همه عمر به عبادت گذرانده بود و میان مردمی که در آن نزدیکی می زیستند مشهور به زهد و تقوا بود . همین که جنازه را دید از صومعه خود به سوی جنازه رفت تا در مراسم او شرکت کند ، اهل آن اطراف وقتی این مطلب را شنیدند به سرعت خود را به آنجا رساندند تا همراه عابد در مراسم مربوط به میت حاضر شوند . مردم سبب شرکت کردن عابد را در مراسم آن گنهکار از شخص عابد پرسیدند ، گفت : در عالم رؤیا به من گفتند فردا از محل عبادت خود به فلان موضع از صحرا برو ، در آنجا جنازه ای است که جز يك زن کسی همراه او نیست ، پس بر او نماز گذار که او مورد آمرزش و عفو قرار گرفته است . مردم از این واقعه تعجب کردند و در

---

دریایی از حیرت فرو رفتند . عابد همسر میّت را خواست و از احوالات میت پرسید ، همسر میت گفت : بیشتر روزها دچار یکی از گناهان بود .

عابد گفت : آیا عمل خیری از او سراغ داری ؟ گفت : آری سه عمل خیر از او می دیدم :

1 - هر روز پس از ارتکاب گناه ، جامه هایش را عوض می کرد و وضو می گرفت و خاشعانه به نماز می ایستاد .

2 - هیچ گاه خانه اش از یتیم خالی نبود و بیش از مقداری که به فرزندان خود احسان می کرد به یتیم احسان می نمود .

3 - هر ساعت از شب بیدار می شد می گریست و می گفت : پروردگارا ! کدام زاویه از زوایای دوزخ را با این گنهگار پُر خواهی کرد ؟!

بر گرفته از کتاب داستانهای عبرت آموز، نوشته استاد حسین انصاریان

داستان دوم (۲)

بِسْمِ

---

صف های نماز جماعت بسته شده بود و همه آماده شنیدن اذان بودند. ناگهان مردی با چهره ای نگران در حالی که سرش را پایین انداخته بود، در کنار پیامبر (ص) به زمین نشست، اما خجالت می کشید به چهره او نگاه کند. پیامبر (ص) با مهربانی نگاهی به او کرد و آماده شنیدن حرف هایش شد. مرد به آهستگی و با صدای لرزان گفت: «ای رسول خدا! من گناهی کرده ام که...». پیامبر (ص) دیگر به حرف های آن مرد گوش نداد و برخاست تا نماز را شروع کند.

مرد فکر کرد که بی موقع مزاحم آن حضرت شده است. به همین دلیل با شرمندگی بلند شد و به صف های نمازگزاران پیوست. همین که نماز تمام شد به سرعت و قبل از آن که کسی به حضور پیامبر (ص) برسد، نزد او رفت و دو زانو نشست. پیامبر (ص) به چهره آن مرد نگاهی کرد. مرد که سرش پایین بود، گفت: «یا رسول الله! عرض کردم گناهی کردم که...».

پیامبر (ص) با مهربانی پرسید: «مگر اکنون با ما نماز نخواندی؟» مرد جواب داد: «بله یا رسول الله!» پیامبر (ص) پرسید: «مگر به خوبی وضو نگرفتی؟» مرد جواب داد: «بله یا رسول الله!» حضرت به آرامی گفت: «پس نمازی که خواندی کفاره گناه تو بود.»

به نقل از: تفسیر نمونه، ج 9، ص 268

دستان سوم (۳)

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حاج عبدالرزاق زین الدین، پدر شهیدان مهدی و مجید زین الدین، می گوید: شهید رجایی - رحمة الله علیه - می فرمود: چطور وقتی تلفن زنگ می زند، شما مضطربید که زود بروید و جواب دهید تا آقای که پشت خط هست زیاد معطل نشود، حتی اگر در نماز هستید، نماز را سریع می خوانید تا بیایید جواب تلفن را بدهید! اذان که می گویند، خداوند پشت خط است؛ وظیفه ما این است که لبیک بگوییم.

به نقل از: مجله خیمه، شماره 8، آبان 82، ص 22

داستان سوم (۳)

بِسْمِ

[خدا] نماز بخوند کاشی را از شما [جوانان] نمی خواهد که شصت سال هم در زمستان و هم در تابستان، در حجره اش و در ایوان مدرسه صدر اصفهان، وقتی نماز می خواند، در نماز از دنیا جدای جدا می شد،

---

و بعد از تمام شدن نماز، باید می‌رفت پیراهنش را که بر اثر کثرت گریه خیس شده بود، عوض می‌کرد، هم در نماز ظهرش، هم در نماز عصرش، هم در نماز مغربش و هم در نماز عشاءش.

در نماز شبش در مدرسه صدر، بعد از وتر، وقتی به سجده رفت و با آن حالش گفت: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَ الرُّوحِ» [سید بن طاووس، اقبال، ج ۳، ص ۱۸۵]

تمام آجرها، دیوارها، برگ‌ها و درخت‌های مدرسه، هم آن‌ها، به دنبال آخوند داشتند می‌گفتند، «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ...».

یک نفر [طلاب مدرسه وقتی] این تسبیح‌ها را شنید و غش کرد.

اما جوان‌ها حداقل این نماز را بی عیب، صحیح و به موقع به جا بیاورید.

استادانصاریان ، نماز الهی و شیطانی ، خلاصه‌ای از صفحه ۲۳ و ۲۹.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُم

داستان چهارم (۴)

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روزی رساله ای از مرحوم کلباسی به دست محدث قمی رحمه الله رسید و ایشان به سرعت به مطالعه آن پرداخت. در حالی که با شوق و توجه فراوان کتاب را می‌خواند، متوجه شد مرحوم کلباسی در حاشیه رساله خویش به پسرش این گونه سفارش کرده است: «به برادران دینی و دوستان نزدیکم اعلام می‌کنم که به نور دیده ام، آقا محمد، به صورت رو در رو گفته ام، در صورت ترک نماز جماعت از او راضی نیستم و بارها و بارها به او گفته‌ام حتی یک نماز هم نباید به غیر جماعت بخواند.» این سفارش و تأکید بر به جا آوردن نماز جماعت و ثبت آن در حاشیه رساله اش، ارادت محدث قمی به مرحوم کلباسی را بیشتر کرد. [۱]

[۱]: نک: حاج شیخ عباس قمی رحمه الله، فوائد الرضویه، انتشارات کتاب خانه مرکزی، بی تا، ص ۵۷

[ستارگان پارسایی: داستان های اخلاقی عالمان و بزرگان دین - ۲. سفارش فرزند به نماز جماعت - صفحه ۱۵]

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُم

---

## داستان پنجم (۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از سوالاتی که ذهن رو مشغول می کند این مساله است که چرا در روایات ترک کننده نماز کافر شمرده شده، مگر چه وجه تمایزی بین نماز و اعمال دیگر وجود دارد؟ تارک صلات مگر چه خصوصیتی پیدا می کند که این همه در قرآن و روایات نکوهش شده است؟

روایت زیر به این سوال جواب می دهد :

داستانک

مسعود بن صدقه می گوید:

شنیدم شخصی از امام صادق علیه السلام پرسید: چرا شما زناکار را کافر نمی نامید ولی ترك کننده نماز را کافر می نامید؟

حضرت در پاسخ فرمود: زناکار و نظیر او، این کار را به جهت غالب شدن غریزه جنسی و شهوات انجام می دهند، ولی تارک نماز آن را ترك نمی کند مگر به خاطر استخفاف و سبک شمردن نماز.



---

آری زناکار به خاطر لذت و کامیابی به سوی زن اجنبی می رود، ولی کسی که نماز را ترك می کند، در این کار لذتی را نمی جوید بلکه مسبب ترك آن، سبك شمردن فعل است و وقتی که استخفاف و سبك شمردن محقق شد، كفر به سراغ او خواهد آمد.

برگرفته از کتاب چهل داستان در باره نماز و نماز گزاران، قسمت 22، اصول کافی، ج 2، باب الكفر، حدیث 9

داستان شیشم (۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

از حضرت باقر علیه السلام روایت شده : موسی به حضرت حق عرضه داشت : به کدام یک از بندگان دشمنی بیشتر می ورزی ؟ فرمود : کسی که در شب مانند مردار در بستر افتاده و روز را به بطالت و بیهوده کاری می گذراند

میزان الحکمه : 13 / 6550 ، النوم ، حدیث 20917

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُم

داستان هفتم (۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

روزی پیامبر اکرم(ص) در مسجد نشسته بودند در این هنگام شخصی وارد شده و به نماز ایستاد. اما بسیار با عجله رکوع و سجود بجا آورد و ارکان نماز را نیمه کاره انجام داد.

حضرت فرمودند: مانند کلاغی که به زمین نوک می زند، خم و راست شده و نماز خوانده، هر آینه اگر او در چنین وضعی و با چنین نماز خواندنی از دنیا برود، به دین من نمرده است.

شنیدنیهای تاریخ «داستانها و حکایتهای کتاب المحجة البيضاء» نویسنده : سید مهدی شمس الدین

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُم

داستان هشتم (۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردم نوعاً علاقه‌مندند که آخرین سخن و گفتار پایانی شخصیت‌های بزرگ و انسان‌های قدیس را بدانند و کدام شخصیت همانند رسول خداست و چه کسی به پایهی کمالات آن بزرگوار می‌رسد و چه کسی است که نخواهد آخرین کلام پیامبر اکرم و سخن پایانی حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله را بداند و بفهمد؟

---

□ □ جابر بن عبدالله می‌گوید: کعب الاحبار از عمر پرسش‌کرد: «آخرین سخن پیامبر چه بود؟»

او گفت: «از علی علیه السلام بپرس!»

کعب به نزد حضرت علی علیه السلام آمد و همین پرسش را از آن حضرت نمود.  
علی علیه السلام فرمود:

رسول خدا را به سینه خود گرفتم پس سر مبارکش را بر دوش من گذاشت و فرمود:  
نماز، نماز.

[فضائل الخمسه من الصحاح الستة؛ جلد ۳ صفحه ۳۸]

آخرین توصیه امام صادق نیز نماز است

امام کاظم علیه السلام می‌فرمایند: پدرم در هنگام مرگ وصیت کرد ما را و فرمود: شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد نمی‌رسد.

[وسائل الشیعه، جلد ۴، صفحه ۲۴]

---

داستانک:

داماد حضرت امام خمینی(ره) می گوید:

حضرت امام ، روایتی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل می کردند که «اگر کسی نمازش را سبک بشمارد، از شفاعتشان محروم می شود.» من یک بار به ایشان عرض کردم: «سبک شمردن نماز شاید به این معنی باشد که شخص نمازش را یک وقت نخواند و یک وقت نخواند.» گفتند نه این که خلاف شرع است. منظور امام صادق علیه السلام این بوده است که وقتی ظهر می شود و فرد در اول وقت نماز نمی خواند، در واقع به چیز دیگری رجحان داده است.

هزار و یک نکته درباره نماز حکایت

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان نهم (۹)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

حضرت صادق علیه السلام فرمودند:

کسی که در صف اول نماز جماعت شرکت نماید، مانند آن است که پشت سر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نماز خوانده باشد. [وسائل الشیعه، ج 5، ص 381]

داستانك:

حکایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله در مورد شرکت در صف اول نماز جماعت فرمود: «خدا و فرشتگان بر پیشگامان در این صف درود می‌فرستند.» و به دنبال این تأکید، برخی گروه‌ها تصمیم گرفتند خانه‌های خود را بفروشند و نزدیک مسجد پیامبر خانه تهیه کنند، تا به صف اول جماعت برسند. و عده‌ای گفتند ما خانه‌هایمان را می‌کنیم و در مسجد زندگی می‌کنیم، تا به صف اول برسیم.

بعد از این جریان آیه 24 سوره حجر نازل شد " وَ لَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُتَّقِينَ مِنْكُمْ وَ لَقَدْ عَلَّمْنَا الْمُتَخَرِّينَ "

و به آنها گوشزد کرد که خدا نیات شما را می‌داند ؛ چون تصمیم بر این دارید که در صف اول باشید، پاداش نیت خود را خواهید داشت ، حتی اگر در صف آخر قرار گیرید

[تفسیر نمونه ؛ جلد : 11 صفحه : 64 با اندکی تصرف ]

---

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان دهم (۱۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از سیره‌های آیت الله العظمی شیخ جعفر کاشف الغطاء (ره) این بود ه که دیگران و از جمله اعضاء خانواده را برای نماز شب بیدار می‌کرد.

فرزند ایشان (شیخ حسن) می‌گوید: در یکی از شب‌ها که ایشان برای تهجد و نماز شب برخاسته بود، فرزند جوانش را از خواب بیدار کرد و فرمود: بلند شو تا به حرم مطهر برویم و در آنجا نماز بخوانیم.

فرزند جوان که بیدار شدن از خواب در آن ساعت شب برایش سخت بود، گفت: من فعلاً آماده نیستم، شما منتظر من نشوید؛ بعداً مشرف می‌شوم.

---

پدر فرمود: نه، من این جا ایستاده‌ام؛ آماده شو که با هم برویم. آقا زاده، به ناچار از جا برخاست و بعد از وضو گرفتن، با هم راه افتادند.

هنگامی که کنار درب صحن مطهر رسیدند، در آنجا مرد فقیری را دیدند که نشسته و دست نیاز به طرف مردم دراز کرده است. آن عالم بزرگوار ایستاد و به فرزندش فرمود: این شخص در این وقت شب برای چه این جا نشسته است؟

فرزند گفت: برای گدایی و تکی از مردم.

آقا شیخ جعفر فرمود: به نظر شما چقدر مردم به او پول می‌دهند؟

فرزند مبلغ ناچیزی را گفت (مثلاً یک درهم)

مرحوم کاشف الغطاء فرمود: فرزندم! خوب فکر کن و ببین این آدم برای به دست آوردن مبلغ بسیار اندک و کم ارزش دنیا (که آن را هم شاید به دست بیاورد)، در این وقت شب از خواب و آسایش خود دست برداشته و آمده در این گوشه نشسته و دست تذلل به سوی مردم دراز کرده! آیا تو، به اندازه‌ای که این شخص به بندگان خدا اعتماد دارد، به وعده‌های خدا درباره شبخیزان و متهجّدان اعتماد نداری؟! که [در قرآن] فرموده است: فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ؛ هیچ کس نمی‌داند چه پاداش‌های مهمّی که مایه روشنی چشم‌هاست برای آن‌ها نهفته شده است. سوره

---

گفته‌اند آن فرزند جوان از شنیدن این گفتار پدر زنده‌دل خود چنان تکان خورد و تنبّه یافت که تا آخر عمر از شرف و سعادت بیداری آخر شب برخوردار بود و نماز شبش ترک نشد.

منبع: شب مردان خدا

داستان یازدهم (۱۱)

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُم

بسم الله الرحمن الرحيم

در آسمان کردستان بودیم و سوار بر هلی‌کوپتر. دیدم شهید صیاد مدام به ساعتشان نگاه می‌کردند.

علت را پرسیدم، گفتند: وقت نماز است و همان لحظه به خلبان اشاره کردند که همین‌جا فرود بیا تا نمازمان را اول وقت بخوانیم.

خلبان گفت: این منطقه زیاد امن نیست، اگر صلاح می‌دانید تا رسیدن به مقصد صبر کنیم.



---

شهید صیاد گفتند: هیچ اشکالی ندارد! ما باید همین‌جا نمازمان را بخوانیم.

خلبان اطاعت کرد و هلی‌کوپتر نشست.

با آب قمقمه‌ای که داشتند وضو گرفتیم و نماز را به امامت ایشان اقامه کردیم...

... وقتی طلبه‌های شیراز از آیت‌الله بهاء‌الدینی درس اخلاق خواستند؛ ایشان فرمودند: بروید از صیاد شیرازی درس زندگی بگیرید. اگر صیاد شیرازی شدید، هم دنیا را دارید و هم آخرت را...

روایان: سرهنگ غلامحسین دربندی، سردار برقی

کتاب امیر دلاور، صفحات ۶۹ و ۷۷

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان دوازدهم (۱۲)

بسم الله الرحمن الرحيم

---

یکی از بازاریان که از شاگردان مرحوم شاه آبادی [استاد اخلاق و عرفان امام خمینی] بود، نقل می کرد که ایشان، یک شب در یکی از سخنرانی هایشان، با ناراحتی اظهار داشتند:

“چرا افرادی که در اطراف ایشان هستند، حرکتی از خود در جنبه های معنوی نشان نمی دهند؟

می فرمودند: آخر، مگر شماها نمی خواهید آدم شوید؟ اگر نمی خواهید من این قدر به زحمت نیفتم”

همین فرد می گوید:

بعد از منبر، ما چند نفر خدمت ایشان رفتیم و گفتیم که آقا ما می خواهیم آدم بشویم. چه کنیم؟

ایشان فرمودند: من به شما سه دستور می دهم، عمل کنید، و اگر نتیجه دیدید، آن وقت بیایید تا برنامه را ادامه دهیم.

سه دستور ایشان چنین بود:

---

۱، مقید باشید نماز را در اول وقتش اقامه کنید. هر کجا باشید و دیدید صدای اذان بلند شد، دست از کارتان بکشید و نماز را اقامه کنید و حتی المقدور هم سعی کنید به جماعت خوانده شود.

۲، در کاسبی تان انصاف به خرج دهید، و واقعا "اقل منفعتی را که می توانید، همان را در نظر بگیرید. در معاملات، چشم هایتان را ببندید و بین دوست و آشنا و غریبه و شهری و غیر شهری فرق نگذارید. همان اقل منفعت در نظرتان باشد.

۳، از نظر خمس، گر چه می توانید برای ادای آن تا سال صبر کنید و امام معصوم علیه السلام به شما مهلت داده اند، اما شما ماه به ماه حق و حقوق الهی را ادا کنید.

همین فرد می افزاید: من دستورات ایشان را که از ماه رجب شنیده بودم، اجرا کردم تا به ماه رمضان رسید. قبل از ماه رمضان در بازار پاچنار می آمدم که، صدای اذان بلند شد. خود را به مسجد نایب رساندم و پشت سر مرحوم حجت الاسلام سید عباس آیت الله زاده مشغول نماز شدم.

در نماز دیدم که ایشان گاهی تشریف دارند و گاهی ندارند. در قرائت نیستند ولی در سجده و رکوع هستند. پس از نماز به ایشان عرض کردم: شما در حال نماز کجا تشریف داشتید؟ نبودید.

---

ایشان متحیر شد. تعجب کرد و فرمود که معذرت می خواهم. من از مسجد و منزل ناراحت شدم، لذا در نماز، گاهی می رفتم دنبال آن اوقات تلخی و بعد از مدتی، متوجه می شدم و بر می گشتم.

این اولین مشاهده ی من بود که در اثر دستورات آیه الله شاه آبادی برایم حاصل شده بود. در اثر دو ماه و نیم التزام من به این سه دستور، دید ما باز شد و برنامه را هم چنان ادامه دادم که مشاهدات بعدی من، دیگر قابل بیان نیست.

[آثار و برکات نماز اول وقت صفحه ۷۰]

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان سیزدهم (۱۳)

بسم الله الرحمن الرحيم

یکی از بازاریان که از شاگردان مرحوم شاه آبادی [استاد اخلاق و عرفان امام خمینی] بود، نقل می کرد که ایشان، یک شب در یکی از سخنرانی هایشان، با ناراحتی اظهار داشتند:

---

“چرا افرادی که در اطراف ایشان هستند، حرکتی از خود در جنبه های معنوی نشان نمی دهند؟

می فرمودند: آخر، مگر شماها نمی خواهید آدم شوید؟ اگر نمی خواهید من این قدر به زحمت نیفتم”

همین فرد می گوید:

بعد از منبر، ما چند نفر خدمت ایشان رفتیم و گفتیم که آقا ما می خواهیم آدم بشویم. چه کنیم؟

ایشان فرمودند: من به شما سه دستور می دهم، عمل کنید، و اگر نتیجه دیدید، آن وقت بیایید تا برنامه را ادامه دهیم.

سه دستور ایشان چنین بود:

۱، مقید باشید نماز را در اول وقتش اقامه کنید. هر کجا باشید و دیدید صدای اذان بلند شد، دست از کارتان بکشید و نماز را اقامه کنید و حتی المقدور هم سعی کنید به جماعت خوانده شود.

۲، در کاسبی تان انصاف به خرج دهید، و واقعا” اقل منفعتی را که می توانید، همان را در نظر بگیرید. در معاملات، چشم هایتان را ببندید و بین دوست و آشنا و غریبه و شهری و غیر شهری فرق نگذارید. همان اقل منفعت در نظرتان باشد.

---

۳، از نظر خمس، گر چه می توانید برای ادای آن تا سال صبر کنید و امام معصوم علیه السلام به شما مهلت داده اند، اما شما ماه به ماه حق و حقوق الهی را ادا کنید.

همین فرد می افزاید: من دستورات ایشان را که از ماه رجب شنیده بودم، اجرا کردم تا به ماه رمضان رسید. قبل از ماه رمضان در بازار پاچنار می آمدم که، صدای اذان بلند شد. خود را به مسجد نایب رساندم و پشت سر مرحوم حجت الاسلام سید عباس آیت الله زاده مشغول نماز شدم.

در نماز دیدم که ایشان گاهی تشریف دارند و گاهی ندارند. در قرائت نیستند ولی در سجده و رکوع هستند. پس از نماز به ایشان عرض کردم: شما در حال نماز کجا تشریف داشتید؟ نبودید.

ایشان متحیر شد. تعجب کرد و فرمود که معذرت می خواهم. من از مسجد و منزل ناراحت شدم، لذا در نماز، گاهی می رفتم دنبال آن اوقات تلخی و بعد از مدتی، متوجه می شدم و بر می گشتم.

این اولین مشاهده ی من بود که در اثر دستورات آیه الله شاه آبادی برایم حاصل شده بود. در اثر دو ماه و نیم التزام من به این سه دستور، دید ما باز شد و برنامه را هم چنان ادامه دادم که مشاهدات بعدی من، دیگر قابل بیان نیست.

[آثار و برکات نماز اول وقت صفحه ۷۰]

---

اللهم صل على محمد و آل محمد و عجل فرجهم

داستان چهاردم (۱۴)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شهر قم در گیر و دار جنگ جهانی دوم از قحطی و خشکسالی ناله داشت، زمین ها خشک بود، باغات در شرف انهدام قرار داشت، مردم دچار مضيقه و سختی بودند، عوامل مادی از حل مشکل به عجز نشسته بودند، تنها راهی که برای نزول باران وجود داشت، یکی از دستوره‌ای مهم اسلامی بود و آن هم نماز باران.

---

کم تر کسی به خود جرأت می داد که به این مهم اقدام کند، کسی را می خواست که قلبش به نور یقین منور و جانش در اتصال با عالم ملکوت باشد.

آن کس که به خویش با کمال اطمینان جرأت قدم نهادن در این میدان را داد، مرجع بزرگ آن زمان مرحوم آیت الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری بود، مردی که بارها برای دفع استعمارگران، به میدان جهاد رفته بود و برای احقاق حق مسلمانان پافشاری داشت.

جمعیت زیادی با چشم گریان و دلی بریان و سر و پای برهنه به رهبری و پیشوایی آن مرد الهی به سوی خاک فرج قم حرکت کردند.

زمانی است که متفقین در شهر قم قوا دارند و از نزدیک ناظر اوضاعند؛ ارتش کفر تصور دیگر داشت و حزب حق مقصدی دیگر؛ قوای کفر پس از خبر شدن از حقیقت حال، سخت در تعجب شد، مگر ممکن است جمعیتی به سرپرستی یک مردی عالم با انجام عملیاتی چند از آسمان باران به زمین بیاورد؟!!

پس از انجام مراسم باران در سه روز، اشک آسمان بر زمین هم چون سیل باریدن گرفت، به عنوان خبری مهم در همه جا پخش شد، من خودم چند نفر از آن هایی را که در آن نماز شرکت داشتند، دیده ام و از زبان آنان داستان را شنیده ام، بر سنگ مزار او در مسجد بالای سر حرم حضرت معصومه علیها السلام این واقعه



---

را ثبت کرده اند، تا همه بدانند که نماز این دستور مهم الهی قدرت حل بسیاری از مشکلات را دارد، چه اگر نداشت خدای متعال امر نمی فرمود:

«وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ» (۱)

از صبر و نماز یاری بخواهید.

پی نوشت

[1] بقره (2): 45.

منبع : عرفان اسلامی: 126 / 5

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُم

داستان پانزدهم (۱۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سید هاشم حداد(ره) نقل می کند که :

شخصی آمد پیش آیت الله قاضی(ره) ، گفت آقا ما را موعظه کن ، آقا موعظه نکرد و آن شخص رفت، علت را جویا شدیم

---

گفتند ؛ نمازش را اول وقت نمی خواند.

"هرکس نماز اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد مرا لعن کند."

□ منبع : عطش

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجَلْ فَرَجَهُم

داستان شانزدهم (۱۶)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

در دوران جوانی که به ورزش کشتی می رفت روزی برای انجام مسابقات به اتفاق هم به سالن رفتیم . مسابقات فینال بود، در میان جمعیت به تماشا نشسته بودم که چند نفر از رقیبان با هم مبارزه کردند.

---

نوبت به عباس رسید. چند بار نام او را برای مبارزه خواندند، اما او حاضر نشد. تا این که دست رقیب او را به عنوان برنده مسابقه بالا بردند. نگران شدم به خودم می گفتم : یعنی عباس کجا رفته ؟ در جستجوی او بودم نگاهم به او افتاد که از درب سالن وارد می شد. جلو رفتم و گفتم : کجا بودی؟ اسمت را خواندند، نبودی ؟

گفت : وقت نماز بود، نماز از هر کاری برایم مهمتر است . رفته بودم نماز جماعت.

اینقدر نماز اول وقت به جماعت ، برای عباس حاجی زاده مهم بود که بعد از شهادتش وقتی وصیت نامه اش را خواندیم نوشته بود:

برادران و خواهران عزیز! اگر خواستید خود سازی کنید، از نماز کمک بگیرید، البته نماز اول وقت در مسجد به خضوع و خشوع و از روی صبر.

ستارگان خاکی ، صفحه 219

داستان هفدهم (۱۷)

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از فرزندان مرحوم ( شیخ مرتضی انصاری ) به واسطه نقل می کند که :

مردی روی قبر شیخ افتاده بود وبا شدت گریه می کرد . وقتی علت گریه اش را پرسیدند ، گفت جماعتی مرا وادار کردند به اینکه شیخ را به قتل برسانم من شمشیرم را برداشته نیمه شب به منزل شیخ رفتم .

وقتی وارد اتاق شیخ شدم دیدم روی سجاده در حال نماز است ، چون نشست من دستم را با شمشیر بلند کردم که بزنم در همان حال دستم بی حرکت ماند وخودم هم قادر به حرکت نبودم به همان حال ماندم تا او از نماز فارغ شد بدون آنکه بطرف من برگردد گفت : خداوند چه کرده ام که فلان کس را فرستاده اند که مرا بکشد ( اسم مرا برد ) . خدایا من آنها را بخشیدم تو هم آنها را ببخش .

آن وقت من التماس کردم ، عرض کردم : آقا مرا ببخشید ، فرمود : آهسته حرف بزن کسی نفهمد برو خانه ات صبح نزد من بیا . من رفتم تا صبح شد همه اش در فکر بودم که بروم یا نروم واگر نروم چه خواهد شد بالاخره بخودم جرات داده رفتم . دیدم مردم در مسجد دور او را گرفته اند ، رفتم جلو وسلام کردم ، مخفیانه کیسه پولی به من داد و فرمود :

برو با این پول کاسبی کن .

---

من آن پول را آورده سرمایه خود قرار دادم و کاسبی کردم که از برکت آن پول  
امروز یکی از تجار بازار شدم و هر چه دارم از برکت صاحب این قبر دارم

منبع: زندگانی شیخ مرتضی انصاری

داستان هیجدهم (۱۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحوم حاج شیخ حسنعلی اصفهانی معروف به شیخ نخودکی در وصیت خود به  
فرزندش می گوید:

اگر آدمی چهل روز به ریاضت و عبادت بپردازد، ولی یک بار نماز صبح از او  
فوت شود، نتیجه آن چهل روز عبادت بی ارزش و هباء منثورا خواهد شد.

---

فرزندم! بدان که در تمام عمرم تنها یک بار نماز صبحم قضا شد. پسر بچه ای داشتم که شب آن روز فوت شد. سحرگاه در عالم رویا به من گفتند که این مصیبت به علت فوت آن نماز صبح به تو وارد آمد.

اکنون اگر یک شب، نماز شبی از من فوت شود، صبح آن شب، انتظار بلایی را می کشم که به من نازل شود.

سپس حاج شیخ حسنعلی می افزاید:

پسرم! ترا سفارش می کنم که نمازت را اول وقت بخوان و از نماز شب تا آنجا که می توانی غفلت مکن.

از آقای نظام التولیه سرکشیک آستان قدس رضوی نقل است:

شبی از شبهای زمستان که هوا خیلی سرد بود و برف می بارید، آخرهای شب دستور دادم که تمام درهای حرم را ببندد. خادمی خبر داد که حاج شیخ حسنعلی در بالای بام در کنار گنبد مشغول نماز است و مدتی است که در حال رکوع می باشد و هر چند بار که مراجعه کردم، در همان حال رکوع بود. گفتم با حاج شیخ کاری نداشته باش، فقط کمی آتش هیزم در اتاق پشت بام بگذار که وقتی نمازش تمام شد، گرم شود.

---

آن شب برف سنگینی در مشهد بارید. هنگام سحر که برای بازکردن درهای حرم آمدیم، به آن خادم گفتم برو ببین حاج شیخ در چه حال است. خادم رفت و پس از چند لحظه برگشت و گفت: حاج شیخ هنوز در حال رکوع است و پشتش از برف پوشیده شده.

معلوم شد که ایشان از اول شب تا سحر در حال رکوع بوده است و سرمای شدید را اصلاً احساس نکرده بود. (۱)

۱- نشان از بی نشانها / ص 33

داستان هفدهم (۱۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از رفتارهای اشتباه مسلمین در دعا کردن این است، غالباً زمانی سراغ خداوند و درخواست از او می‌روند که غرق در مشکلات مادی و معنوی فراوانی شده‌اند و کمتر پیش می‌آید برای پیشرفت مسائل معنوی خود در زندگی، دعا کنند.

ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ غافر/60

---

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم

مرحوم محمدتقی مجلسی، پدر بزرگوار علامه محمدباقر مجلسی نقل می کند: شبی از شب‌ها، پس از فراغ از نماز شب و تهجد، حالتی برایم ایجاد شد که فهمیدم در این هنگام هر حاجت و درخواستی از خداوند نمایم اجابت خواهد نمود. فکر کردم چه درخواستی از امور دنیا و آخرت از درگاه خداوند متعال نمایم که ناگاه با صدای گریه محمدباقر در گهواره‌اش مواجه شدم و بی‌درنگ گفتم: پروردگار! به‌حق محمد و آل محمد، این کودک را مروج دینت و ناشر احکام پیامبر بزرگت قرار ده و او را به توفیقاتی بی‌پایان موفق گردان.

به برکت دعای نیمه‌شب پدر و تلاش و استمرار، علامه محمدباقر مجلسی، خدمات ارزشمندی را به جهان اسلام عرضه نمود. علاوه بر درس و تربیت شاگردان بزرگ و صدور فتوا و مسئولیت‌های مهم مرجعیت و مسافرت‌های مکرر برای جمع‌آوری آثار اهل بیت(ع) یکی از تألیفات او بحارالانوار است که حدود 110 جلد می‌باشد.<sup>1</sup>

دوش وقت سحر از غصه نجاتم دادند

و اندر آن ظلمت شب آب حیاتم دادند<sup>2</sup>

1. با اقتباس و ویراست از کتاب نماز خوبان



داستان هیجدهم (۱۸)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سید محسن جبل عاملی از علمای بزرگ شیعه در دمشق مدرسه ای ساخت تا  
فرزندان شیعیان در آن جا به فراگیری علم بپردازند.

ایشان شاگردی داشت به نام عبدالله که از ذهن سرشاری برخوردار بود و توانسته  
بود در مدت کوتاهی تحصیلات خود را در دمشق به پایان رساند و برای فراگیری  
بعضی علوم به امریکا سفر کند.

او از مدت ها قبل در یکی از دانشگاه های امریکا اسم نویسی کرده و راه درازی را  
پیموده بود تا در امتحان ورودی شرکت کند.

---

اما وقتی در صف ورود به جلسه ایستاده بود متوجه شد اگر عجله نکند وقت نماز می گذرد، لذا با شتاب جهت اقامه نماز حرکت کرد.

افرادی که پشت سرش بودند فریاد برآوردند: کجا می روی، نوبت شما نزدیک است و اگر دیر بررسی جلسه دیگری برگزار نمی گردد.

عبدالله جواب داد: من يك تكليف دينی دارم و اگر انجام ندهم وقت آن می گذرد و آن بر امتحان مقدم است و با توکل به خدا مشغول نماز خواندن شد.

از قضا وقتی نمازش تمام شد نوبتش نیز گذشته بود. برگزار کنندگان امتحان وقتی متوجه این قضیه گردیدند، از ایمان عبدالله به شگفت آمده بودند و از او دوباره امتحان به عمل آوردند. عبدالله در نامه ای خطاب به استادش در جبل عامل، نوشته بود: من درس ایمان و عمل به تکالیف را از شما آموخته ام.

سید محسن بسیار خوشحال گردید و از این که توانسته بود چنین شاگردی پرورش دهد در پیشگاه خداوند شاکر بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردی بود که هر کار می کرد نمی توانست اخلاص خود را حفظ کند و ریاکاری نکند، روزی چاره اندیشی کرد و با خود گفت: در گوشه شهر مسجدی متروک هست که کسی به آن توجه ندارد و رفت و آمد نمی کند، خوبست شبانه به آن مسجد بروم تا کسی مرا ندیده خالصانه خدا را عبادت کنم.

در نیمه های شب تاریک، مخفیانه به آن مسجد رفت، آن شب باران می آمد و رعد و برق و بارش شدت داشت. او در آن مسجد مشغول عبادت شد در وسط های عبادت، ناگهان صدائی شنید با خود گفت: حتماً شخصی وارد مسجد شد، خوشحال گردید که آن شخص فردا می رود و به مردم می گوید این آدم چقدر خداشناس و ارسته ای است که در نیمه های شب به مسجد متروک آمده و مشغول نماز و عبادت است.

او بر کیفیت و کمیت عبادتش افزود و همچنان با کمال خوشحالی تا صبح به عبادت ادامه داد، وقتی که هوا روشن شد و به آن کسی که وارد شده بود، زیر چشمی نگاه کرد دید آدم نیست بلکه سگ سیاهی است که بر اثر رعد و برق و بارندگی شدید، نتوانسته در بیرون بماند و به مسجد پناه آورده است. بسیار ناراحت شد و اظهار

---

پشیمانی می کرد و پیش خود شرمنده بود که ساعت‌ها برای سگ عبادت می کرده است.

خطاب به خود کرد و گفت: ای نفس، من فرار کردم و به مسجد دور افتاده آمدم تا در عبادت خود، احدی را شريك خدا قرار ندهم، اينك می بینم سگ سیاهی را در عبادتم شريك خدا قرار داده‌ام، #وای\_بر\_من! چقدر مایه تأسف است که این حالت را پیدا کرده‌ام.

منتخب قوامیس الدرر، ص 144

داستان بیستم (۲۰)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آقای مصباح می گوید: آیت الله بهجت از مرحوم آقای قاضی رحمه الله نقل می کردند که ایشان می فرمود: ((اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد مرا لعن کند! و یا فرمودند: به صورت من تف بیندازد.))

اول وقت سرّ عظیمی است (حافظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ)(۱)

- در انجام نمازها کوشا باشید.

---

خود یک نکته ای است غیر از (أَقِمْوا الصَّلَاةَ)(2)

- و نماز را بپا دارید.

و همین که نمازگزار اهتمام داشته باشد و مقید باشد که نماز را اوّل وقت بخواند فی حدّ نفسه آثار زیادی دارد، هر چند حضور قلب هم نباشد.(3)

پینوشتها:

1- بقره ، آیه 238.

2- همان ، آیه 42.

3- در محضر بزرگان ، محسن غرویان ، ص 99

داستان بیست یکم (۲۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از اسراء نمازش که تمام شد ، سربازش عراقی صدایش کرد و گفت :

---

- شماها از نماز خواندن خسته نمی شوید ؟ همیشه می بینم چند نفر در حال نماز هستید ، حتی شبها و نیمه شبها ، شما خواب ندارید ؟

آن برادر با آرامش رو به سرباز عراقی کرد و جواب داد :

- ما به خاطر همین نماز اینجا اسیر شده ایم . نماز همه چیز ماست . نماز نور چشم ماست

رملهای تشنه ، ص 84

داستان بیست دوم (۲۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عراقی ها تصمیم گرفتند ما را به زیارت حرم حضرت علی و امام حسین - علیهم السلام - ببرند، اما وقتی نوبت به اردوگاه ما رسید کسی حاضر نشد در زیر پرچم صدام به زیارت برود. ما می گفتیم اگر ما را به زیارت می برید، چرا در شب عاشور، دو ماه پیش، با ما آن طور رفتار کردید؟

عراقی ها جواب می دادند که آن روز دستور داشتیم شما را بزنیم و امروز هم دستور رسیده که به هر طور ممکن شما را به زیارت ببریم، اما کسی به حرف بعثی ها گوش نداد و همه متحد القول شدیم که زیر پرچم صدام به زیارت نرویم، زیرا آن ها می خواستند از این ماجرا علیه اسلام و انقلاب سوء استفاده کنند. دلیل دیگر این بود که گروهی را که قبل از ما به زیارت برده بودند به آن ها اجازه ندادند نماز صبح شان را بخوانند. این مسئله برای ما خیلی سخت بود و با این که یک عمر انتظار زیارت قبر ابا عبدالله الحسین (ع) را داشتیم اما نتوانستیم برای یک امر مستحب (زیارت)، یک امر واجب (نماز) را کنار بگذاریم.

---

بعد از این اتفاق، نگهبانانِ بعضی ما را بیش از یک ماه مورد ضرب و شتم قرار دادند و بیش از دویست نفر از دوستانمان را عریان کردند و پس از کتک کاری و شکنجه، به اردگاهی دیگر انتقال دادند و ما تا مدتی از آن ها بی خبر بودیم .

نقل از: نماز در اسارت، ص 31 - 32

داستان بیست سوم (۲۳)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یکی از بزرگان می گفت: در سفر به فرانسه از خانمی که مسلمان شده بود، پرسیدم: چگونه مسلمان شدید؟

گفت: من سال ها پیش مقیم الجزایر بودم، یک روز از جاده ای عبور می کردم که در کنار آن مزرعه ای بود. دیدم کسی رو به سمتی ایستاده و حرکاتی انجام می دهد. کنجکاو شدم و از دیگران پرسیدم: این حرکات چیست؟ گفتند: نماز می خواند. کنجاوتر شدم و سراغش رفتم، پرسیدم چه می کنی، چه می گویی و چه می خواهی ؟

وقتی متوجه شدم که در اسلام ارتباط با خالق این اندازه آسان و این قدر عمیق و لطیف است، تکان خوردم و این بود علت اصلی مسلمان شدن من .

هزار و یک نکته درباره نماز، نکته 658

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

علامه بزرگ سید شرف الدین جبل آملی رضوان الله تعالی علیه (1290 - 1377 هـ . ق ) گوید : یکی از مسیحیان ثروتمند لبنان نزد آمد و گفت : می خواهم مسلمان شوم ، وظیفه چیست ؟ گفتم : دو رکعت نماز صبح بخوان و چهار رکعت نماز عصر .

پرسید : مسلمانان هفده رکعت نماز می خوانند ! عرض کردم : مسلمانی آنها یک مقدار قوی شده است . از این رو پیامبر صلی الله علیه و آله رای تازه مسلمانان - بنابر نقل تواریخ - خواندن دو رکعت نماز صبح و عصر را توصیه می نمودند . اکنون که شما مسلمان شده اید همین اعمال را انجام بدهید کافی است . کم کم این شخص تازه مسلمان قوی شد و به مساجد می رفت و مانند سایر مسلمانان ، نمازهای پنجگانه را به جا می آورد .

تا اینکه ماه رمضان فرا رسید ، ایشان سراسیمه نزد آمد و گفت : آیا من هم باید روزه بگیرم ؟ عرض کردم : خیر ، روزه مربوط به مسلمانان قوی است . مسلمانان صدر اسلام ، پس از مدّت طولانی که از بعثت پیامبر گذشت به روزه گرفتن مأمور شدند . گفت : می خواهم روزه بگیرم . گفتم : هر اندازه که آمادگی داری روزه بگیر .

همین روش باعث گردید که در سال دوم ، تمام ماه رمضان را روزه گرفت و اکنون ایشان از مسلمانان نیرومند لبنان است ، نماز شبش ترک نمی شود و مهمترین بودجه و کمبودهایی مالی جنوب لبنان را تأمین می کند



داستان بیست پنجم (۲۵)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آیه ۱ . . . العظمی آقا سید ابوالحسن اصفهانی ؛ ( 1284 - 1365 ه . ق ) یکی از مراجع بزرگ تقلید و مقیم نجف اشرف بود از هندوستان خدمت آقا آمدند و جهت سرپرستی شیعیان آن دیار درخواست کردند که ، ایشان یکی از فضلاء نجف را به آن کشور اعزام کند ، آقا یکی از طلاب فاضل را فرا خواند و اجازه نامه مفصلی در علم و دانش و فقه او نوشت و در ادامه نامه از شیعیان آن سامان درخواست کرد که وجود این عالم را مغتنم شمارند .

نامه را به دست روحانی داد و او متن اجازه را خواند ، و سپس رو به ایشان کرد و گفت : آقا من از جانب شما به بلاد هند می روم اما اگر از من مسئله مرجع تقلید را بپرسند من دیگری را برای مرجعیت معرفی می کنم زیرا شما را اعلم نمی دانم !

آقا با کمال متانت فرمودند :

((من شما را جهت تبلیغ فرهنگ نماز و حلال و حرام خدا به هندوستان می فرستم نه برای تبلیغ شخصیت و مرجعیت خودم !! ))

عرفان اسلامی ، ج 10، ص 258

داستان بیست ششم (۲۶)

---

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردم دسته دسته از کوچه به طرف منزل سید می رفتند، کوچه شلوغ شده بود، شاگردان سید همگی به جشن آمده بودند. اما هیچ کس نمی دانست این جشن با شکوه به چه مناسبتی بر پا شده است. یکی از دیگری سؤال کرد: ما آخر ندانستیم این جشن برای چیست؟ و او گفت: راستش من هم نمی دانم، شاید عید است و فقط سید می داند. آخر ما همگی سید را می شناختیم، او شخص بزرگوار و عالمی است، حتماً یک حکمت و مسئله ای هست که ما نمی دانیم و او می داند.

تقریباً خانه پر شده بود و همگی با صلوات و خواندن شعر برای امامان (علیهم السلام) مشغول جشنی بودند که فقط سید می دانست برای چیست.

بعد از گذشت مدتی بالاخره طاقت شاگردان سید تمام شد. یکی از آنها پرسید: ببخشید استاد، ما مشغول جشن و سرور هستیم، ولی نمی دانیم مناسبت آن چیست، اگر لطف کنید و بفرمایید خوش حال تر می شویم.

تبسمی در چهره نورانی سید پدیدار گشت و گفت: در سال های قبل در چنین روزی بنده به سن پانزده سالگی رسیدم و از آن روز لیاقت پیدا کردم که خدای مهربان نماز و روزه را بر من واجب کند؛ یعنی انسان کامل شدم و از بچگی بیرون آمدم. به خاطر این نعمت بزرگ، من در هر سال این روز را خیلی دوست دارم و جشن می گیرم، این مراسم جشن تکلیف من است.

برگرفته از: داستان های نماز

داستان بیست هفتم (۲۷)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

---

ابوحمره ثمالی گوید: علی بن الحسین علیه السلام را در نماز دیدم که عبا از یک دوش او افتاد اما به افتادن آن توجهی نکرد تا اینکه از نماز فارغ گردید.

از او سوال کردم چرا عبا را بر دوش خود نینداختید.

حضرت فرمود: آیا می دانی در برابر چه کسی قرار گرفته ام. آن مقدار نماز بنده مورد قبول است که در آن حضور قلب دارد

بحار النوار، ج 42، ص 66

داستان بیست هشتم (۲۸)

روی تختم دراز کشیدم، فریاد زدم، خدایا!

• من هر کاری که دوست داشتم انجام می دادم... خیلی نوشتم، خیلی تولید کردم، پول زیادی به دست آوردم، تقریباً دنیا را گشتم... با این حال، نمی توانستم احساس کنم چیزی کم است.

---

• وقتی یک نفر مدام در تعقیب نگرانی است، زندگی چه فایده ای دارد؟ چگونه می توان از زندگی لذت برد در حالی که غرق در بدبختی است؟ من طعمه نگرانی ها، توهمات و مشکلات روانی بودم، اگرچه عادت داشتم وانمود کنم که خوشحال و راحت هستم.

• علیرغم تجملات مادی که تمدن ما در اختیار ما قرار می دهد، نمی تواند حتی کمترین اطمینان و محتوا را در اختیار ما قرار دهد.

• از جنبه های پیشرفت و تمدنی که ما در غرب از آن لذت می بریم گرفتار نشوید. تمدن ما بیشتر شبیه تار عنکبوت است که به دلیل بیرونی اش تحسین مردم را به خود جلب می کند  
زرق و برق، اگرچه در واقع یک تار عنکبوت شکننده است که می تواند به راحتی در باد منفجر شود.

• هر شب که به رختخواب می رفتم با یک سوال بیدار می شدم: من کی هستم؟ هدف از زندگی من چیست؟  
یک شب زمستانی روی تختم دراز کشیده بودم، فریاد زدم خدایا! اگر آنجا هستید، حقیقت را به من نشان دهید. گروهی از مردان جوان آمریکایی بخشی از خانه من را اجاره کردند. بعد از اینکه معلوم شد بسیار خوب رفتار می کنند، شروع به مشاهده آنها کردم.

---

• یک بار در سحر دیدم که وضو گرفتند سپس نماز جماعت می خواندند. نمی توانستم آرام بگیرم تا اینکه بلافاصله پس از اتمام نماز از آنها پرسیدم که چه کار می کنند؟ آنها برای من توضیح دادند که وضو و نماز در کنار برخی مفاهیم دیگر از اسلام چیست. حرف هایشان دلم را آرام کرد.

• سوء ظن من به اطمینان، ترس من به اطمینان و نگرانی من به آرامش تبدیل شد. احساسی غیر قابل وصف را تجربه کردم.

• همان لحظه که به توضیحات مسلمانان آمریکایی گوش دادم اسلام آوردم، سپس برای وضو گرفتن عجله کردم و نماز خواندم.

• چشمانم را فریاد زدم، سپس به خواب رفتم که انگار تازه به من روح تازه ای داده اند.

---

• یک سال بعد برای ادای حج صغری عازم عربستان شدم. در آن زمان شروع کردم به کار بر روی کتابم، یک عاشق ابدی... یک زن اروپایی طلسم شده توسط اسلام. من آن را در وین به پایان رساندم، جایی که در سال 1995 به زبان آلمانی منتشر شد.

• بشریت در دهه دوم قرن آینده شاهد یک تحول عظیم خواهد بود. مسلمانان دوباره در راس جهان خواهند بود. همه چیز به همان روزی که جبرئیل علیه السلام پیام خدا را به حضرت محمد صلی الله علیه و آله ابلاغ کرد، برمی گردد

(ایمان داکس، نویسنده اتریشی، مصاحبه با رشیده توبال، چاپ شده در مجله المنار کویت)

داستان بیست و نهم (۲۹)

مرگ در شب عروسی اش!!! [داستان واقعی]

او پس از خواندن نماز مغرب

آرایشش کرد، زیبایش را پوشید

---

لباس سفید خود را برای او آماده می کند

جشن عروسی، سپس او شنید

اذان عشاء و او متوجه شد

او به او گفت وضوی خود را شکست

مادر: «مادر، من باید برم درست کنم

وضو گرفتن و نماز عشاء

مادرش شوکه شد: «شما؟

دیوانه؟! مهمانان منتظر شما هستند تا

ببینمت در مورد آرایش شما چطور؟ آن را

همه با آب شسته خواهند شد!!» سپس

او افزود:

«من مادر تو هستم و به تو دستور نمی دهم

الان نماز بخوان! والله اگر شما

حالا وضو بگیر، من از دستت عصبانی خواهم شد.»

دخترش پاسخ داد: «ولاهی نمی کنم

---

از اینجا برو بیرون تا من اجرا کنم

صلاح مادر باید اینو بدونی

«اطاعت از هیچ موجودی نیست

در نافرمانی خالق.»!!

مادرش گفت: ما چه می‌خواهیم

وقتی نشان می‌دهید مهمانان درباره شما می‌گویند

در جشن عروسی خود بدون

آرایش؟! تو زیبا نخواهی بود

چشمانشان! و مسخره خواهند کرد

تو!»

دختر با لبخند پرسید: "آری

تو نگران شدی چون من نخواهم بود

زیبا در چشم مخلوقات؟ چی

در مورد خالق من؟ من نگران هستم

چون اگر نمازم را از دست بدهم، نخواهم بود



---

در چشمان او زیباست»

او شروع کرد به وضو گرفتن و تمام او

آرایش شسته شد، اما او

اهمیتی نداد

سپس نماز خود را آغاز کرد و در

لحظه ای که برای ساختن خم شد

سجود، او متوجه نشد که چنین خواهد شد

آخرین او!

بله! او در حال سجود درگذشت! چه

پایان عالی برای مسلمانی که

بر اطاعت پروردگارش اصرار داشت! بسیاری

افرادی که داستان او را شنیدند چنین بودند

لمس کرد!!

او و اطاعت او را در اولویت قرار داد

اولویت های او، پس او به او اعطا کرد

---

بهترین پایانی که هر مسلمانی انجام می دهد

داشتن

او می خواست به او نزدیک تر شود، پس او

روحش را در جایی برد که

مسلمانان نزدیکترین افراد به او هستند!

سبحان الله!

برایش مهم نبود که باشد

از نظر موجودات زیبا است

او از نظر او زیبا بود

خالق!

ای خواهر مسلمان، تصور کن اگر داخل هستی

جای او! چه خواهید کرد؟ چه خواهد شد

شما انتخاب می کنید: خلاقیت های دلپذیر یا شما

خالق؟

ای خواهر عزیز! آیا شما آن را تضمین می کنید

---

شما برای دقایق بعدی زندگی خواهید کرد؟

ساعت؟ ماه ها؟!!!

هیچ کس نمی داند ساعت آنها کی خواهد بود

بیا؟ یا کی با فرشتگان ملاقات خواهند کرد

از مرگ؟ پس برای آن آماده اید؟

لحظه؟

ای خواهر بی حجاب! تو چیکار میکنی

انتخاب کن : خودت را راضی می کنی با نه

با حجاب یا جلب رضایت پروردگارت

با حجاب؟

آیا برای ملاقات با او آماده هستید

حجاب؟

و چه در مورد شما، خواهری که "در

رابطه» یا «رابطه باز»،

آیا برای ملاقات پروردگارت آماده ای؟

---

امروز؟ فردا؟!!

چه لذتی از این دنیا یا

لذت های اخیرا؟

خداوند همه ما را به آنچه می خواهد هدایت کند

او و هر که هست عطا کن

خواندن این خطوط پایان خوبی دارد،

آمین

نماز را در زمان فعلی نماز بخوانید

پسری با مادر بزرگش زندگی می کرد

هر گاه به او گفت برو نماز بخوان غمگین می شود و می گوید که او را خیلی اذیت می کند، چرا او را اذیت می کند.

روز به روز به نماز خواندن ادامه می دهد اما نه به موقع

او زمانی نماز می خواند که فقط یک ثانیه باقی بماند تا زمان نماز تمام شود.

---

برای چندین ماه به همین منوال ادامه دارد

روزی وقتی پسر 18 ساله به خواب رفت، در خواب دید که وقت قیامت است، فرشتگان آنجا بودند کسانی را که کار نیک انجام نمی‌دهند مجازات می‌کردند و نمازگزاران را نیز از بین اهل بدی جدا می‌کردند.

در خواب دید که اهل جنت به جنت می‌روند و اهل جهنم به سوی جهنم می‌روند و او از جمله کسانی است که به دنیا می‌روند.

گریه کرد، گریه کرد، گریه کرد و گریست.

یک فرشته غول پیکر غرش می‌کند و پسر را به جهاننام می‌اندازد و پسر را فریاد و فریاد می‌زند

وقتی یک دقیقه مانده بود تا به ته جهنم برسد، دستی او را بگیر

وقتی سرش را بلند کرد، پیرمرد خرسی سفیدی با لباس سفید دید

پسر پرسید: تو کی هستی؟

من نماز تو هستم پیرمرد خوش تیپ با لبخند جواب داد

در حالی که یک دقیقه به وقت من مانده بود اجرا می‌کنی، به همین دلیل من می‌آیم تا تو را نجات بدهم، زمانی که یک دقیقه مانده بود که تو در آتش جهنم بیفتی.

وقتی پسر از خواب بیدار می‌شود از خوابش می‌ترسد به سمت مادر بزرگش می‌دود و گریه می‌کند و همه چیزهایی را که در خواب دیده است به او می‌گوید.

چون در آن زمان نماز خود را به درستی در وقت نماز می‌خواند و دقیقه ای اضافه نمی‌کرد.

پس اگر می‌خواهیم نمازمان به موقع ما را نجات دهد، باید به موقع نمازمان را بخوانیم

---

به همین دلیل است که خداوند نافع ترین مهربان می فرماید

إن الصلاة كانت على المؤمنين كتابا موقوتا

تمت بحمد الله

● منابع

۱\_ القرآن الكريم

۲\_ كنز العمال \_ متقی لبخندی

۳\_ بحار الأنوار \_ مجلسی

۴\_ وسائل الشيعة \_ حر العاملي

۵\_ نهج البلاغه \_ ترجمه دكتر شهیدی

سخن بسیار دارم در دل اما چه بی پایان \*\* سخن هایم شنو یارب و درد دل مداوا کن

آیه ۲۳۸ سوره بقره

«حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ»؛ بر نمازها مواظبت و توجه کامل داشته باشید و به خصوص نماز وسطی (صبح) و به طاعت خدا قیام کنید.

آیه ۷۸ سوره اسراء

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَىٰ غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا»؛ نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار (یعنی نماز ظهرین را از اول ظهر و نماز عشاءین را از بدو

---

این سخن پایان ندارد ای جواد \*\* ختم کن والله اعلم بالرشاد

(مولوی)

بنده فقیر، محتاج عفو پروردگار

سجاد سلیمانی (نیجیریه)

تمت بحمد الله (2024 December- 15)

تاریکی شب به پا دار) و نماز صبح را نیز به جای آر که آن نماز به حقیقت مشهود (نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز) است.

آیه ۸۷ سوره یونس

« وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ۚ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ »؛ و به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که شما برای پیروانتان در شهر مصر منزل گیرید و (اکنون که از بیم فرعونیان به مساجد نتوانید رفت)، خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز به پا دارید و (تو هم ای رسول) مؤمنان را (به فتح در دنیا و بهشت در آخرت) بشارت ده.

آیه ۱۴ سوره طه

«إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»؛ منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) بپرست و نماز را مخصوصا برای یاد من به پادار.

آیه ۹ سوره مؤمنون

«وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ»؛ و آنان که بر نماز هاشان (و همه اوقات و شرایط ظاهر و باطن نماز) محافظت دارند.

آیه ۷۳ سوره انبیا

«وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ ۖ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ»؛ و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند و هر کار نیکو را (از انواع عبادات و خیرات) و خصوص اقامه نماز و اداء زکات را به آنها وحی کردیم و آنها هم به عبادت ما پرداختند.

آیه ۳۱ سوره روم



«مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ»؛ (شما اهل ایمان با پیروی همین دین فطرت) به درگاه خدا باز آیید و خدا ترس باشید و نماز به پا دارید و هرگز از فرقه مشرکان نباشید.

آیه ۵۶ سوره نور

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»؛ و نماز را به پا دارید و زکات بدهید و رسول ما را اطاعت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت شوید.

آیه ۱۱۰ سوره بقره

«وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»؛ و نماز به پا دارید و زکات بدهید و بدانید که هر چه از اطاعت حق و کار نیکو برای خود پیش می‌فرستید آن را در نزد خدا خواهید یافت، که محققا خداوند به هر کار شما بیناست.

۲- آیاتی که با اوقات نماز اشاره دارند